

درباره مرد نخست معماری نوین ایران که با ساخت بناهای ارزشمند در حافظه تاریخ مشهد ماندگار شد

کاخ بلند هنر و هندسه

سیده‌نعمه زینبی| هوشنگ سیحون اگر عمرش به دنیا باقی می‌ماند امروز ۱۰۳ ساله می‌شد، مردی که هنر و خلاقیتش در طراحی و ساخت آرامگاه‌های خیام، کمال‌الملک، نادرشاه، ابوعلی سینا و بسیاری از بناهای ماندگار دیگر به اوج رسیده است. ذهن زیبای او معماری، طراحی، نقاشی و تندیس‌سازی را باهم درآمیخت تا از دل آن به ایده‌های نابش پیراهن حیات ببوشاند.

سیحون همانند نامش، رود خروشان است که هنر معماری‌اش در سراسر وطن جاری شده و مسیرش از دوشهر مشهد و نیشابور نیز گذر کرده است تا خراسان را نیز طراوت بخشد، آن‌طور که این اقلیم پس از تهران، دومین استان کشور است با بیشترین آثار سیحون در دل خود. وجود این آثار سبب شده است در زادروز این معمار نامی، به تاریخ حضور او در خراسان بپردازیم و روایتگر قصه بناهای به یادگارمانده از او باشیم، آثاری که با روح مشهد عجین شده‌اند، آن‌چنان که نمی‌توان آن‌ها را جدای از یکدیگر به تصویر کشید.

حضور یک مهندس نامی در نیشابور

هوشنگ سیحون، نوه میرزا عیدآ...فراہانی است. زاده دارالخلافه در آخرین سال قرن سیزدهم که در میان ساز و نقاشی بزرگ شد. او که شاگرد کمال‌الملک نیز بوده، در سال ۱۳۲۳ خورشیدی، پس از گرفتن مدرک دانش آموختگی دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران به دعوت آندره گدار چمدانش را به قصد پاریس می‌بندد ولی ۵سال بعد با پایان دوره دکتری هنر به ایران باز می‌گردد. درست در همین سال، انجمن ملی آثار ایران مسابقه‌ای برای طراحی مقبره بوعلی سینا برگزار می‌کند. پرواضح است که



باغ نادری؛ میزبان هنر سیحون

در همین سال هاست که سیحون به خراسان بازمی‌گردد تا این‌بار آرامگاه نادری را بسازد. قصه از این قرار است که انجمن آثار ملی ایران در دهه ۴۰ همت می‌کند تا مقبره نادر را بر روی ساختمان روبه‌ویرانی آن که قوام السلطنه بر پا کرده بود، بنا کند. در مرداد سال ۱۳۳۴ انجمن نامه‌ای به سیحون می‌نویسد و از او می‌خواهد که برای آرامگاه نادرشاه در مشهد، طرحی برزند و نقشه‌ای بکشد، البته انجمن بر چهار گزینه هم تأکید می‌کند تا سیحون در طراحی‌اش بگنجاند، آرامگاه نادر، موزه اسلحه زمان نادر، موزه اسلحه ماقبل نادر و پایه و مجسمه نادر. سیحون درباره ساخت این آرامگاه در یادداشت‌های خود نوشته است: «من ضمن مطالعه دقیق سرگذشت نادر به چند مطلب آگاهی یافتم؛ یکی اینکه اگر نادر نبود، ایران دیگر نبود، زیرا از یک‌طرف افغان‌ها ایران را اشغال کرده بودند و از طرف دیگر عثمانی‌ها در تدارک اشغال قسمت‌هایی از ایران بودند و شاید اجانب نیز چشم طمع به ایران دوخته بودند که نادر همه را تارومار کرد و فراری داد. دیگر اینکه سرداری به عظمت نادر در تاریخ ما کمتر یافت می‌شود. این سردار بزرگ در تمام جنگ‌ها، کمتر در موضع دفاعی قرار داشته و بیشتر در حال حمله و هجوم بوده است. به تشریفات سلطنتی و زرق‌وبرق معمول شاهی، علاقه‌ای نداشته و در [کمال] سادگی در میدان نبرد در چادر یا در جوار سربازان به‌سر می‌برده است. با این مشخصات، باید بنایی برپا کنیم که از هر جهت خود نادر باشد». سیحون با این مشخصات و با نگاهی که درباره نادر پیدا کرده بود، شروع به طراحی می‌کند و مدلی را روی کاغذ می‌کشد که به مذاق انجمن خوش می‌آید. سال ۳۵ این پروژه تصویب می‌شود و به دست استاد معماری ایران سپرده می‌شود تا پا به عرصه وجود بگذارد. سیحون در سیاهه‌های خودش، نگاشته است که از خطوط مورب برای طراحی این آرامگاه بیشتر بهره برده است تا حرکت و جهش را تداعی کند. او درباره همه جزئیات ساخت این بنا فکر می‌کند و حتی قبر نادر را در نقطه وسط آرامگاهش که نماد چادرنشینی این شاه ایرانی است، قرار نمی‌دهد. انگار نادرشاه افشار رمیده‌آزمیدان جنگ به چادرش پناه آورده و در گوشه‌ای از آن آرامیده است، البته اجرای این طرح به همین راحتی نبود. او با ابوالحسن خوان صدیقی، هنرمند نامدار مجسمه‌ساز، نیز همفکری کرد و مجسمه نادر را سوار بر اسب به‌همراه تنی چند از سربازانش سفارش داد تا هنرمندانه ساخته شود. سال ۴۲ وقتی که بهار تازه به شهر مشهد قدم گذاشته بود، این مقبره در باغ نادری بر روی علاقه‌مندان گشوده شد تا نخستین اثر هوشنگ سیحون در شهر امام‌رضا^(ع) جاودانه شود.



آثار به یادگارمانده از هوشنگ سیحون در ایران بسیاریند اما بناهای آرامگاه کمال‌الملک و ابوعلی سینا از شاخص ترین این آثار هستند



کند. معماری، رنگ‌ها، نمادهای شکلی و عددی و حتی ادبیات، ابزار کار او هستند تا نمایانگر اندیشه یک شخصیت بر مزارش باشند؛ «سعی کرده‌ام اثر را در ساده‌ترین و بی‌تکلف‌ترین شکل ممکن ارائه‌کنم تا شاید بتوانم سهل‌و‌ممتنع‌گویی شعری را در عالم معماری هم به‌وجود بیاورم. با این زاویه دید، پای این معمار هنرمند با طراحی آرامگاه خیام در سال ۱۳۴۱ به خراسان باز می‌شود تا تجلی ریاضی و نجوم و ادب را در مقبره‌وی هویدا کند. آرامگاه خیام به‌همراه مقبره کمال‌الملک در سال ۱۳۴۲ بازگشایی می‌شود تا نخستین بناهای این معمار چیره‌دست در خراسان در معرض دید عموم قرار بگیرد.

کاخ بلند فردوسی، در میان باغ

حکایت سیحون و خراسان پایان نمی‌گیرد و او پس از این، میهمان حکیم توس می‌شود تا آرامگاه فردوسی را بازسازی کند، آرامگاهی که با مجراهای بسیار در سال ۱۳۱۳ پا گرفته بود و طراح آن هم، کریم طاهرزاده‌پهزاد بوده است، ماجرا از این قرار است که سازه بهزاد در سی‌سالگی و پیش از اینکه قدم به میان‌سالگی بگذارد، از رفق می‌افتد. در طراحی این بنا محاسبات فنی، دقیق نبوده است و ارزیابی نکردن مقاومت خاک و مصالح پی، باعث جذب رطوبت شده و در نهایت نشست بنا را رقم می‌زند.

انجمن آثار ملی در سال ۱۳۴۳ دست به دامان هوشنگ سیحون می‌شود تا این بار بازسازی کند، البته انجمن تأکید می‌کند که بنای جدید باید سروشکل بنای پیشین را داشته باشد. چهار سال طول می‌کشد تا زحمت مهندس سیحون در این‌باره به ثمر بنشیند.

تیمسار سپهبد آق‌اولی، مدیر انجمن ملی آثار، در خطابه افتتاحیه بنادر سال ۱۳۴۷ درباره تغییراتی که پدر معماری نوین ایران در این بنا داده است، می‌گوید: «هیئت اصلی و منظر خارجی اولیه و قدیمی بنای آرامگاه، عیناً محفوظ مانده است. داخلی آن تالار وسیعی به‌وسعت نهمصد مترمربع،



موزه توس؛ از بهترین‌ها

از دیگر بناهایی که سیحون در توس ساخته است و بسیاری از مشه‌دی‌ها دست کم یک‌بار آن را دیده‌اند، ساختمان موزه آرامگاه است، البته ساختمان کنونی در طرح نخست، قرار بوده رستوران و چای‌خانه سنتی شود ولی در سال ۱۳۶۱ به موزه تبدیل می‌شود و سال ۱۳۸۴ نیز مهندس بهروز احمدی تغییراتی در آن می‌دهد تا برای نمایش آثار مناسب‌سازی شود. موزه توس چهار بخش دارد، بخش نخست به آثاری که در اثر کاوش‌ها س باستان‌شناسی از دشت توس به دست آمده است، اختصاص دارد که شامل انواع قطعات سفال دوره اسلامی و پیش از اسلام و سکه‌های طلا و نقره می‌شود. بخش دوم شامل آثاری است که روح حماسی و پهلوانی شاهنامه را به رخ می‌کشند. بخش سوم اشیایی را که در زمان فردوسی خلق شده‌اند، نمایش می‌دهد و در بخش آخر، اشیای اهدایی به موزه مانند تابلوهای نقاشی از چهره فردوسی و آثار استاد علی رخسار، از داستان‌های شاهنامه و انواع فرش و قالیچه

مزین به نماسازی‌های سنگی و کاشی‌کاری‌های متناسب با چنین مقام، خوابگاه ابدی حکیم را فرا گرفته است و تمام سنگ‌نوشته‌ها و نقوش برجسته بنای سابق، عیناً در محل‌های شایسته نصب گردید. میان‌تهی شدن سقف سنگین آرامگاه که تا آن زمان توپر بود، یکی از کارهای سیحون است. مجسمه فردوسی، ساخت مرحوم ابوالحسن صدیقی، به مرمر یکپارچه نیز در همین زمان به‌نمادهای باغ فردوسی اضافه می‌شود. «افتتاح آرامگاه فردوسی به روی مشتاقان حکیم توس» به صدر اخبار می‌آید و روزنامه خراسان در صفحه نخست خودش تیتیر می‌زند؛ «ساختمان جدید آرامگاه فردوسی توسی طی مراسم باشکوهی گشایش یافت و قسمت‌های مختلف آرامگاه مورد بازدید قرار گرفت».

باغ فردوسی از هرسو پنجاه متر توسعه پیدا می‌کند. از جنوب تا پل کشف‌رود، معبر ورودی باغ فردوسی نیز گسترده می‌شود. فاصله‌سی کیلومتری مشهد تا توس، دست‌اندرکاران را وامی‌دارد که برای رفاه حال بازدیدکنندگان، وسایل رفاهی فراهم کنند. ساخت یک رستوران و یک استراحت‌گاه خانوادگی، از دیگر سازه‌هایی است که سر، بلندی‌کند. درواقع آنچه از آرامگاه فردوسی اکنون در منظر نگاه فردوسی‌دوستان قرار دارد، حاصل هنر این مهندس ایرانی است.



گفتارهایی در باب تاریخ و فرهنگ شهر بهشت (قسمت نود و چهارم) سرگذشت بازار مشهد (بخش دوم)

مرضیه ترابی | در قسمت قبل، مفصل درباره جایگاه بازار در شهرهای ایرانی و همین‌طور قدمت بازار در شهر مشهد صحبت کردیم. گفتیم که تاریخ بازار مشهد، از خود شهر بیشتر است و هنگامی که هنوز در اطراف مضجع شریف امام‌رضا^(ع) جمعیت چندانی ساکن نشده بود، بازاری پررونق در مسیر سناباد به‌نوغان پدید آمد که درواقع، هسته اولیه بازار بزرگ و قدیمی مشهد بود. همین‌طور، درباره برخی مفاهیم مانند «سرا»، «سراچه» و «تیمچه» و کاربری آن‌ها در بازارهای قدیم گفتیم و شما را با معنا و جایگاه این اماکن آشنا کردیم. در مشهدیات این قسمت، قصد داریم بعد از توضیح یک مفهوم باقی‌مانده درباره بازار قدیم، از تاریخچه بازار مشهد بیشتر بگوییم.

- کاروان‌سرا و کاربری آن در ساختار بازار

اگر یادتان باشد، اشاره کردیم که کاروان‌سراها، یکی از مکان‌های مهم مبادلات تجاری در شهرهای قدیمی بود. برخلاف تصور خیلی‌ها، محل ساخت کاروان‌سرا همیشه بیرون از شهر درنظر گرفته نمی‌شد. بر همین اساس، کاروان‌سراها را به دو دسته «بین‌راهی» و «شهری» تقسیم می‌کردند و برای هر کدام، ظرفیت و امکانات جداگانه‌ای قائل می‌شدند. کاروان‌سراهای بین‌راهی، معمولاً مکانی برای استراحت و اتراق مسافران بود، هرچند که گاه، کاروان‌های تجاری از آن به‌عنوان مکان معاملات نیز استفاده می‌کردند. این کاروان‌سراها، ویژگی‌ها و امکانات اقامت مسافران را داشت. اما کاروان‌سراهای شهری که در کنار یا داخل شهرها بنا می‌شد، عموماً مرکز رسمی مبادلات تجاری و انبار کالاهای بازرگانان بود. شاید قدیمی‌های مشهد یادشان باشد که در نزدیکی حرم مطهر، کاروان‌سراهایی مانند «سیگاری» وجود داشت که تا پیش از تخریب بزرگ در دهه ۱۳۵۰، کم‌وبیش فعال بود و به‌عنوان انبار استفاده می‌شد. هنگام بررسی سفرنامه «شیندلر»، گفتیم که طبق گزارش او و «خانیکوف»، در مشهد نیمه نخست دوره قاجار، پانزده کاروان‌سرا به نام‌های کاشانی‌ها، درودی‌ها، قزوینی‌ها، سالار، رضاقلی میرزا، گمرک، زنورکچی، بدلخان، امام‌جمعه، گندم‌آباد، زغال (زغال فروش‌ها)، میرمعین‌رضا، دارالزوار، شاهوردی‌خان و سلطان وجود داشت که همه، مراکز مهم فعالیت‌های تجاری محسوب می‌شد. تمرکز این کاروان‌سراها، بیشتر بر منطقه شرقی مشهد بود، هرچند که تعدادی از آن‌ها، مانند سالار، شاهوردی‌خان، دارالزوار و میرمعین‌رضا، در اطراف حرم یا به قول «خانیکوف»، «محلّه مقدس»، قرار گرفته بودند و بی‌تردید، مرکز فعالیت‌های مهم تجاری به حساب می‌آمدند. به‌طور خلاصه می‌توان گفت که بخشی از ساختار بازار در مشهد قدیم، مانند دیگر شهرهای ایران، در کاروان‌سراها متمرکز بود و در این اماکن، عموماً کالاها و مواد خام وارداتی، به کلی‌فروشان شهری عرضه می‌شد.

- مسیر بازار باستانی مشهد

مسیر بازار باستانی مشهد چندان دور از ذهن نیست، خوشبختانه هم نشانه‌های میدانی در این زمینه وجود دارد و هم اسناد قابل اعتنا. مسیر بازار باستانی مشهد، از جنوب به شمال امتداد داشت و چنان‌که در قسمت قبل اشاره کردیم، از غرب حرم مطهر رضوی عبور می‌کرد. برخی معتقدند که این مسیر، درواقع راه ارتباطی میان سناباد و نوغان قدیم بوده است. نشانه‌های مربوط به قرار گرفتن بازار در این مسیر، دست‌کم از دوره تیموری به این‌سو وجود دارد. می‌دانیم که مساجد جامع را در شهرسازی ایرانی، معمولاً در کنار بازار شهر بنا می‌کردند، به همین دلیل، موقعیت مسجد گوهرشاد می‌تواند آماره‌ای برای شناخت مسیر بازار باشد. ازسوی دیگر، در برخی گزارش‌های تاریخی صحبت از احداث دو مدرسه قدیمی «پریزاد» و «دور»، در حاشیه بازار مشهد به میان آمده است. خوشبختانه این دو مدرسه امروز پابرجاست و بنای قدیمی آن‌ها، به نحو شایسته‌ای تعمیر شده است و در مجموعه اماکن متبرکه قرار دارد، به‌طوری‌که می‌توان از طریق بست شیخ‌بهایی در حرم رضوی و کفش‌داری شماره ۱۳ در انتهای این بست، به ورودی این دو مدرسه رسید که مقابل یکدیگر و داخل راهرویی مسقف، بعد از کفش‌داری قرار گرفته‌اند. فاصله میان ورودی دو مدرسه، درواقع عرض بازار قدیمی مشهد را نشان می‌دهد که تا قبرستان قتلگاه در شمال حرم رضوی ادامه داشت. کاوش‌های باستان‌شناسی چند دهه اخیر، در مسیر بازار باستانی مشهد نشان می‌دهد که کف این بازار، در دوره‌های قبل و به‌طور مشخص، دوره تیموری، پایین‌تر از سطح کنونی بوده و ظاهراً در طول چند قرن، با ساخت‌وساز و فعالیت‌های عمرانی به وضعیت فعلی رسیده است. پاسخ این پرسش که آیا می‌توان نشانه‌ای مبنی بر وضعیت مسیر بازار در پیشاتیموری هم یافت، مثبت است، علاوه بر ساخت مسجد جامع گوهرشاد و مدارس علمیه که خبر از تقدم تاریخی بازار مشهد بر این سازه‌های مربوط به عصر تیموری - که در قرن نهم ساخته شده‌اند- می‌دهد، گزارش مربوط به ساخت مسجد گوهرشاد نیز، تأیید می‌کند که تا پیش از ساخت بنا، یک کاروان‌سرا در فضای بخش غربی زمین مسجد جامع قرار داشته که از موقوفات خواجه نظام‌الملک طوسی (مقتول در رمضان ۴۸۵ قمری)، وزیر مشهور ملکشاه سلجوقی و دیوان‌سالار نامدار ایران در قرن پنجم، بوده است. قاعدتاً این کاروان‌سرا در فضای شهری مشهد قرار داشته است و طبق تعریف، باید آن را «کاروان‌سرای شهری» بدانیم. موقعیت چنین کاروان‌سرای، بی‌تردید با موقعیت بازار، ارتباطی مستقیم داشته است و احتمال قرار داشتن موقعیت قدیمی بازار باستانی مشهد در محدوده مورد بحث ما را افزایش می‌دهد، بنابراین باید موقعیت بازار باستانی مشهد را از کوچه فعلی سرشور تا بازار فرش کنونی، فرض کنیم و از آنجا تا ضلع غربی صحن عتیق و در ادامه، در فضایی که به محدوده بازارچه حاج‌آقا جان امروزی ختم می‌شد، درنظر بگیریم.

- گسست‌های شهرسازی در مسیر بازار

بازار باستانی مشهد در تاریخ پرفرازونشیب خود، دست‌کم پنج‌بار گسست و تجدید مسیر را تجربه کرده و طی این گسست‌ها، مسیر سنتی و طبیعی بازار مشهد، دچار تغییر شده است. به احتمال زیاد، نخستین بار که چنین اتفاقی رخ داده، در دوره صفویه و دهه ۱۰۱۰ قمری بوده است که در آن زمان، شاه‌عباس یکم فرمان تأسیس خیابان را در مشهد صادر کرد و علاوه بر آن، دستور داد صحن عتیق را به چهار برابر اندازه اولیه گسترش دهند. این اتفاق، باعث شد بازار باستانی مشهد، در قسمتی که داخل محدوده صحن عتیق قرار می‌گرفت، دچار گسست شود و امتداد آن، به‌سمت شمال، بعد از صحن عتیق قرار بگیرد، مکانی که در دوره‌های متأخر، عموماً بازار سنگ‌تراشان بود و در تغییرات بعدی، بالکل تخریب شد و حتی بخش‌هایی از آن هم، داخل فضای اماکن متبرکه قرار گرفت. این تغییر، به تخریب بخش مهمی از مدارس علمیه‌ای منجر شد که در آن روزگار، بر روی بخش‌هایی از زمین فعلی صحن عتیق ساخته بودند، بنابراین حضور مدارس درکنار حرم مطهر و در حاشیه بازار نیز، تقریباً محرز است و قابل استفاده در موضوعی است که پیش‌تر در این نوشتار برای اثبات آن به بیان دلیل و شواهد تاریخی متوسل شدیم.

ادامه دارد....



شماره ۳۳
۳۱ مرداد ۱۴۰۲
۵ صفحه
۲۰۱۸ شماره

۱۵



تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت